فلاح زاده، هاجر؛ هاشمی گشنیگانی، رامین؛ سادات صادقی، منصوره؛ میرزایی، ملیحه (۱۳۹۵). مقایسه‌ی روابط ابژه و ادراک از رابطه با پدر در افراد متقاضی و غیرمتقاضی طلاق.
پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۶ (۱)، ۵۹-۴۴.

مقایسه‌ی روابط ابژه و ادراک از رابطه با پدر در افراد متقاضی و غیرمتقاضی طلاق

هاجر فلاح زاده[۱]، رامین هاشمی گشنیگانی [۲]، منصوره سادات صادقی[۳]، ملیحه میرزایی [۴]

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۳

چکیده

هدف: *مقایسه روابط ابژه و کیفیت رابطه با پدر در بین افراد متقاضی و غیرمتقاضی طلاق*

روش: *برای اجرای این پژوهش ۱۲۲ نفر افراد متقاضی طلاق و ۱۱۷ نفر افراد غیر متقاضی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و به پرسشنامهٔ روابط موضوعی بل و مقیاس پدری پاسخ دادند. سپس اطلاعات با استفاده از روش تحلیل واریانس چند متغیره و با استفاده از نرم افزار SPSS-20 تحلیل شد.*

یافته‌ها: *نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد بین دو گروه در ابعاد روابط ابژه (بیگانگی، دلبستگی ناایمن، خودمیان‌بینی و بی‌کفایتی اجتماعی) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین دو گروه در مؤلفه‌های حضور منفی پدر، نقش تأمین‌کنندگی پدر و نقش پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی پدر تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به نظر می‌رسد نقص در روابط ابژه و تصویر منفی از پدر و رابطه با او می‌تواند موجبات نارضایتی زوج‌ها را فراهم آورده و به دنبال آن احتمال گسستگی روابط زناشویی را در پی دارد.*

واژه‌های کلیدی: *روابط ابژه، رابطه با پدر، افراد متقاضی طلاق*

---

۱. نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه شهید بهشتی h_falahzade@sbu.ac.ir

۲.کارشناسی ارشد مشاوره خانواده.

۳. استادیار دانشگاه شهید بهشتی.

۴.کارشناسی ارشد مشاوره خانواده.

مقدمه

تعارضات زناشویی و طلاق یکی از فاجعه بارترین رویدادهایی است که می تواند برای خانواده اتفاق بیفتد (Braver & Lamb, 2013). میزان طلاق در سال‌های اخیر در مقایسه با گذشته افزایش یافته، به صورتی که در هر ساعت ۱۹ طلاق به ثبت می‌رسد (National Organization for Civil Registration of Iran, 2014) و بیش از نیمی از ازدواج ها به طلاق ختم می‌شود (Catlett & Mc Kenry, 2004). تعارضات زناشویی و طلاق اثرات زیان‌آوری بر سلامت جسم و روان اعضای خانواده دارد (Fincham, 2003) ، و با پیامدهای مهمی در محیط خانواده، همانند فرزندپروری ناکارآمد، سازگاری ضعیف فرزندان، کاهش طول عمر فرزندان (Gottman, 2010; Troxel & Matthew, 2004)، مشکلات درونی سازی و برونی سازی در کودکان (D'onofrietal, 2007; Lansford, 2006 ، افزایش احتمال تعارضات والد-فرزندی (Grish & Fincham, 2001)، افزایش تمایل به طلاق در نوجوانان به ویژه در دختران (Haaz, Kneavel & Browning, 2014)، ایجاد اختلال در روابط خواهر-برادری، کاهش اعتماد به نفس دختران نسبت به برقراری و ثبات روابط، عدم اعتماد به شریک زندگی در دختران(Roth, Harkins & Eng, 2014)، عدم احساس امنیت دختران در کنار مردان (Guardia, Nelson, & Lertara, 2014)، و به طور کلی اثرات روانی پایدار در بزرگسالی کودکان (Cusimano & Riggs, 2013; Amato, 2010) را به دنبال دارد.

افراد بر اساس تجربیات خود با مراقبان اولیه، مدل‌های کارآمد درونی خود را شکل داده، و این مدل‌ها بر نوع احساس، افکار، رفتار و تغییر رفتارها و نگرش‌ها در ازدواج و روابط مهم بعدی تأثیر می گذارد (Welsh, et. Al, 2003). در نتیجه، این روابط می‌تواند هم ارضاءکننده باشد و هم عمیقاً به اشخاص درگیر آسیب بزند (Bowlby, 1969). کیفیت این رابطه، حتی پیش‌بینی کنندۀ نوع انتخاب فردی است که به عنوان همسر برگزیده می شود (Feeny, 2005). در ازدواج، رابطۀ والد-فرزندی و تعارضات درونی حل نشده‌ی مربوط به چهره‌های مهم در خانواده‌ی اصلی، دوباره زنده شده وچالش‌های ارتباطی جدیدی مانند کنترل، وابستگی، اعتماد، و ایثارگری ایجاد می‌کند (Siegel, 1992) و زوج‌ها برای مقابله با آن‌ها، نقش‌هایی غیرمنطقی اتخاذ می‌کنند که از گذشتۀ درونی شدۀ هر یک از آن‌ها بر آمده است. این بقایای ناخودآگاه، پویایی‌های خانواده‌های اصلی هر یک از زوج‌ها را منعکس می‌کند و مسئول بسیاری از تعارض‌ها و نشانه‌هایی است که در خانوادۀ فعلی بروز می‌کند (Framo, 1970). طبق نظریه روابط ابژه، رابطۀ زوج‌ها با هم، و باورها و تعارضات خانواده، توسط فرزندان درون‌سازی می‌شود و زمانی که فرزندان بزرگ شده و

روابط صمیمانهٔ جدیدی برقرار می‌کنند، دوباره این ابژه‌های[1] درونی‌شده، تجربه و برون‌فکنی می‌شوند (Scharff & Scharff, 1987). به نظر کلاین (Klien, 1975, by Donovan, 2003) روابط اولیه، روابط بعدی را شکل داده و قدرت و نوع هیجانات مرتبط با ابژه‌های اولیه، تعبیر و تفسیر فرد را از تعاملات فعلی شکل می‌دهد. زوج‌هایی که مشکلات ارتباطی دارند، به طور ناخودآگاه یکدیگر را در مقابل مدل‌های نقشی ابژه‌های عشقی اولیه‌ای که با آن‌ها روابط تردیدآمیزی دارند، مورد آزمایش قرار می‌دهند (Dicks, 1963). کشمکش‌های زناشویی نتیجهٔ فرافکنی متقابل است، به طوری که فرد با ابژهٔ پدر یا مادر همانندسازی کرده و در ازدواج، همان ابژه را روی همسرش فرافکنی می‌کند (Dicks, 1963). ابژه‌های سرکوب شده نخستین، زوج را وادار می‌کند که بارها و بارها به شیوه‌ای خودشکن، در همان رزمگاه با هم بجنگند. بنابراین، تعارض در ازدواج، زمانی به وجود می‌آید که یکی از زوج‌ها نمی‌تواند نقش والدین خیالی و معینی را که برای او در نظر گرفته شده، با موفقیت ایفا کند (Donovan, 2003).

از دیگر عوامل مؤثر بر روابط صمیمانه زنان و مردان، کیفیت رابطهٔ پدر–فرزند است (Gallagher, 2008). ایدهٔ مربوط به ماهیت نقش پدر در خانواده در چند دههٔ گذشته تغییر کرده است. سال‌ها اثر والدگری پدر توسط محققان و نظریه‌پردازان مورد غفلت قرار گرفته بود و اساساً به خاطر این اعتقاد بود که پدران نسبت به مادران اهمیت و تأثیر کمتری بر رشد فرزندان دارند (Sheffler & Naus, 1999). بنابراین، ساختار خاص رابطهٔ پدر–فرزند و تأثیر آن بر زندگی بزرگسالی فرزندان در پژوهش‌ها نسبتا نادیده گرفته شده بود (Casiano, 2010) و اکثر پژوهش‌ها بر رابطهٔ مادر–فرزند تمرکز داشته و مادران را به طور سنتی مراقبان اصلی در خانواده‌ها می‌شناسند (Cleveland & Gilson, 2004; Fingerson, 2005). با این حال، به طور کلی تأثیر پدران بر فرزندان به خوبی شناخته شده نیست. طبق نظر گاتمن (Gottman, 2010)، ارتباط با پدر بیش از تعامل با مادر، در موفقیت ها یا شکست های آیندهٔ فرزندان نقش دارد. به صورتی که حضور عاطفی پدر در زندگی فرزندانش، آن‌ها را از عوامل زیانباری چون اعتیاد، بزهکاری، و بی بندوباری جنسی مصون نگه می‌دارد و افرادی که در کودکی رابطهٔ گرم‌تر و صمیمانه‌تری با پدرشان دارند، در بزرگسالی زندگی زناشویی شادتر و طولانی تری دارند. درون‌سازی رفتار در پسران، به طور مساوی از پدر و مادر تأثیر می پذیرد، ولی این فرآیند در دختران بیشتر تحت تأثیر رابطه با پدر است تا مادر. به‌طوری که روابط پدر–دختر بر مشکلات رفتاری تأثیر گذارتر است (Williams & Keny, 2005). کیفیت رابطه پدر–دختر بر رشد «خود» در زنان (Jordan, 2008)، افزایش سطح عزت نفس دختران (Richards, Gitelson, peterson, & Huting,

---

1 . Objects

1991; Sheffler & Naus, 1999; and Gallagher, 2008)، احساس رضایت و شادی زنان در رابطه با مردان (Gallagher, 2008)، و بر تصویر خود و انعطاف پذیری زنان تأثیر گذار است (Higgins, 2009). رابطهٔ پدر-فرزند و سبک‌های پدری به طور غیرمستقیم از طریق مفهوم خود، انتخاب همسر و نوع رابطه با همسر را در بزرگسالی تحت تأثیر قرار می‌دهد (Jones, 2007). پدر می تواند در زندگی بزرگسالی فرزندان خود الگویی خلق کند که در روابط صمیمانه‌ی خود غرق آن شده یا آن را رد نمایند (Johnson,1982, by Casiano, 2010). افرادی که پدران سرد و فاصله‌گیر دارند و بدون رابطهٔ عاطفی مثبت با پدر بزرگ می‌شوند، ممکن است در روابط بزرگسالی آرزوی صمیمیت داشته باشند، اما همیشه نسبت به جنس مخالف بدگمان خواهند ماند (Sheffler & Naus, 1999) و در برقراری روابط سالم و آرامش‌بخش با جنس مخالف و صمیمی شدن با آنها مشکلات زیادی دارند (Gallagher, 1993; Goulter & Minniger, 1993). زن‌هایی که در کودکی پدری مهربان و قابل اعتماد نداشته‌اند، ممکن است خواهان ارتباط با مردانی باشند که طردکننده بوده و نمی‌توانند از نظر عاطفی و جنسی آن‌ها را ارضاء کنند (Jones, 2007). افزایش سطح خشونت پدری ادراک شده، احتمال درگیر شدن دختران را در فعالیت های جنسی پیش از موقع افزایش می دهد (Koon, 2011). تأیید پدر نیز، راحتی یا ناراحتی زن را از تجربیات جنسی‌اش پیش‌بینی می‌کند (Sheffler & Naus, 1999). بنابراین، افراد به نوعی با سعی در کپی کردن گذشته، از طریق روابط عاشقانهٔ فعلی‌شان، یک اجبار-تکرار را شکل می‌دهند (Jones, 2007).

نقش شناخته شده‌ی کیفیت رابطه‌ی والد-فرزندی بر سازگاری عاطفی فرزندان (Lengua, et. Al, 2000)، نشانگر این است که اگر تجربیات اولیه با والدین، نوع رفتار در روابط صمیمانهٔ بزرگسالی را پیش بینی می کند، مهم است که این نوع تجربیات خانوادگی بررسی شود. همچنین افزایش نقش زنان در دنیای کار و به دنبال آن افزایش درگیری پدران در فرایند والدینی (Chen & Thompson, 2007) این سؤال را پیش می‌کشد که *آیا کیفیت رابطه با پدر در افراد متقاضی و غیرمتقاضی طلاق متفاوت است؟* و همچنین با توجه به این فرض که نوع رابطه‌ی شکل گرفته با چهره‌های مهم در خانوادهٔ اصلی به ویژه مادر، دوباره در ازدواج زنده شده و بر روابط صمیمانهٔ بزرگسالی تأثیر می گذارد، *این سوال مطرح است که آیا نوع روابط ابژه در افراد متقاضی و غیر متقاضی طلاق متفاوت است؟*

با توجه به هزینه‌هایی که طلاق برای خانواده‌ها، زوج‌ها، فرزندان و جامعه دارد، بررسی عوامل زمینه-ساز آن یکی از ضرورت‌های مهم پژوهشی در حیطه‌ی سلامت خانواده‌ها است. بنابراین در پژوهش حاضر، کیفیت ارتباط ادراک شده با پدر و روابط ابژه در افراد متقاضی و غیر متقاضی طلاق بررسی می‌شود.

روش

پژوهش توصیفی حاضر در طرح‌های علی–مقایسه‌ای جای می‌گیرد و با هدف مقایسه کیفیت رابطهٔ ادراک شده با پدر و روابط ابژه در بین افراد متقاضی طلاق و افراد غیر متقاضی انجام شد. به منطور دستیابی به این هدف تعداد ۱۶۰ نفر از افراد متقاضی طلاق توافقی مراجعه‌کننده به دادگاه شهید باهنر شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و پس از بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آنها تعداد ۱۵۰ نفر از افراد غیرمتقاضی طلاق مطابق با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افرد متقاضی با استفاده از روش نمونه‌گیری از جامعهٔ در دسترس (با مراجعه به مکان‌های عمومی نظیر پارک‌ها و باشگاه‌ها) انتخاب، و ابزار گردآوری اطلاعات پژوهش در اختیار آنان قرار گرفت. پس از بازبینی پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، در نهایت تعداد ۱۲۲ نفر از گروه متقاضی طلاق و ۱۱۵ نفر از گروه غیر متقاضی که به‌صورت کامل به ابزار پژوهش پاسخ داده بودند، برای تحلیل باقی ماندند. به منظور تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره[1] استفاده شد. همچنین بر اساس احتمال اثرپذیری متغیرهای پژوهش از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، نخست برای آزمون برابری دو گروه در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از آزمون‌های خی‌دو پیرسون و t مستقل استفاده شد. برای گردآوری داده ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

پرسشنامه روابط موضوعی بل[2]

پرسشنامه روابط موضوعی بل (Bell, Billington & Becker, 1986) بخشی از پرسشنامه ۹۰ گویه‌ای روابط موضوعی و واقعیت‌سنجی بل[3] است که نوعی ابزار خودگزارش‌دهی برای ارزیابی ابعاد روابط موضوعی به‌شمار می‌رود. این پرسشنامه هم برای جمعیت‌های بالینی و هم غیر بالینی استاندارد شده است و در پژوهش‌های بسیاری در حوزه‌های روابط بین‌فردی و در تشخیص و پیش‌بینی آسیب‌شناسی روانی به‌کار رفته است. پرسشنامه روابط موضوعی بل دارای ۴۵ ماده است که به‌صورت صحیح و غلط به آن پاسخ داده می‌شود و از طریق چهار خرده‌مقیاس بیگانگی[4]، دلبستگی ناایمن[5]، خودمیان‌بینی[6] و بی‌کفایتی اجتماعی[7] ارزیابی دقیق و معتبری از روابط موضوعی ارائه می‌دهد. جمع نمرات سؤالات مربوط به هر خرده‌مقیاس نمره فرد را در هریک از آنها نشان می‌دهد. نمره بالا در هریک ار این خرده‌مقیاس‌ها نشان می‌دهد که فرد در این بعد روابط موضوعی دچار نقصان‌هایی است (Bell, et al, 1986). دربارهٔ روایی این پرسشنامه گزارش نمودند

1 . Multiple Analysis of Variance (MANOVA)
2 . Bell Object Relations Inventory (BORI)
3 . Bell Object Relations and Reality Testing Inventory (BORRTI)
4 . Alienation (ALN)
5 . Insecure Attachment (IA)
6 . Egocentricity (EGC)
7 . Social Incompetence (SI)

که این ابزار از آن جهت که قادر به تفکیک جمعیت بالینی است، از درجهٔ بالایی از روایی تفکیکی برخوردار می‌باشد و همچنین به لحاظ هبستگی بالای آن با دیگر ابزارهای سنجش آسیب‌پذیری روانی، از اعتبار همزمان قابل قبولی برخوردار است. برآورد همسانی درونی گزارش شده از طریق آلفا و ضریب دونیمه‌سازی اسپیرمن‌براون برای چهار خرده مقیاس بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (Bell, et al, 1986). رضا قلی زاده (Reza Gholi Zadeh, 2011) روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه را توسط چندین متخصص تأیید نموده است و از طریق اعتبار بازآزمایی در دو نوبت به فاصله ۲ هفته، قابلیت اعتماد برای هریک از خرده‌مقیاس‌ها را بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۰ گزارش کرد. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های بیگانگی، دلبستگی ناایمن، خودمیان‌بینی و بی‌کفایتی اجتماعی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۱، ۰/۶۳ و ۰/۶۰ به‌دست آمد.

مقیاس پدری[1]

این مقیاس توسط دیک (Dick, 2004) و به‌منظور ارزیابی ادراک فرد از رابطه با پدر خویش در طول دوران رشد طراحی شده است و چهار حوزهٔ ادراک فرد از پدر خویش، احساس فرد به پدر خود، پاسخ‌دهی عاطفی پدر و وقایعی که در رابطهٔ با پدر اتفاق افتاده است را ارزیابی می‌کند. این ابزار دارای ۹ مؤلفه و ۶۳ ماده به صورت جملات توصیفی می‌باشد که پاسخ‌های آن بر روی یک پیوستار ۵ درجه‌ای (۱=هیچ‌گاه تا ۵=همیشه)، توسط آزمودنی درجه‌بندی می‌شوند. کسب نمرات بالاتر حاکی از تصویر پدری است که در تعامل مثبت با فرزند خود بوده است و در مقابل نمرات پایین‌تر نشان می‌دهد پدر به ندرت با رفتارهای مثبت با فرزند خود رابطه داشته است. دیک (Dick, 2004) همبستگی درونی در هر خرده مقیاس را بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۶ گزارش کرد. این مقیاس توسط فامنینی (Famenini, 2012) ترجمه و اعتباریابی شد. فامنینی (Famenini, 2012) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفهٔ اصلی، اعتبار سازه‌ای این مقیاس را به‌دست آورد. در پژوهش فامنینی (Famenini, 2012) ۶۳ گویه به ۵۴ و ۹ مؤلفه به ۴ خرده‌مقیاس پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی (۳۰ آیتم)، حضور مثبت پدر (۸ آیتم)، حضور منفی پدر (۹ آیتم)، و نقش تأمین‌کنندگی پدر (۷ آیتم) تقلیل یافتند. فامنینی (Famenini, 2012) با استفاده از روش آزمون-بازآزمون در فاصلهٔ زمانی دو هفته ضریب پایایی خرده‌مقیاس‌های پاسخدهی عاطفی و نقش اخلاقی، حضور مثبت پدر، حضور منفی پدر و نقش تأمین‌کنندگی را به‌ترتیب ۰/۹۴، ۰/۹۵، ۰/۸۸ و ۰/۸۴ به‌دست آورد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای پاسخ‌دهی عاطفی و نقش اخلاقی، حضور

1 . Fatherhood Scale (FS)

مثبت، حضور منفی و نقش تأمین‌کنندگی پدر به‌ترتیب ۰/۹۵، ۰/۷۹، ۰/۷۱ و ۰/۷۶ به‌دست آمد.

یافته‌ها

گروه متقاضیان طلاق را ۳۶/۹ درصد (۴۵ نفر) مرد و ۶۳/۱ درصد (۳۲ نفر شاغل، ۴۵ نفر غیرشاغل) زن تشکیل می‌دهند. از این تعداد ۴/۱ درصد (۲ نفر زن، ۳ نفر مرد) دارای تحصیلات راهنمایی، ۳۶/۹ درصد (۲۹ نفر زن، ۱۶ نفر مرد) دیپلم، ۱۸/۱ درصد (۱۳ نفر زن، ۹ نفر مرد) فوق‌دیپلم، ۳۴/۵ درصد (۲۸ نفر زن، ۱۴ نفر مرد) کارشناسی و ۶/۶ درصد (۵ نفر زن، ۳ نفر مرد) کارشناسی‌ارشد و بالاتر بودند. گروه غیرمتقاضی نیز از ۲۹/۶ درصد (۳۶ نفر) مرد و ۷۰/۴ درصد (۲۸ نفر شاغل، ۵۳ نفر غیرشاغل) زن تشکیل شده است. از این تعداد ۲/۶ درصد (۳ نفر مرد) دارای تحصیلات راهنمایی، ۳۲/۵ درصد (۲۶ نفر زن، ۱۲ نفر مرد) دیپلم، ۱۹/۷ درصد (۱۵ نفر زن، ۸ نفر مرد) فوق‌دیپلم، ۳۷/۴ درصد (۳۳ نفر زن، ۹ نفر مرد) کارشناسی و ۷ درصد (۷ نفر زن، ۴ نفر مرد) کارشناسی‌ارشد و بالاتر بودند. همچنین دیگر یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری میانگین و انحراف‌معیار به تفکیک در جدول ۱، ارائه شده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی ویژگی‌های جمعیت شناختی و مؤلفه‌های ادراک از پدر و روابط موضوعی

	متغیرها	گروه متقاضی M	گروه متقاضی SD	گروه غیرمتقاضی M	گروه غیرمتقاضی SD
جمعیت شناختی	سن	۳۱/۱۴	۵/۱۱	۳۲/۷۳	۶/۲۶
	مدت ازدواج	۶/۳۲	۳/۲۵	۷/۹	۳/۳۶
ادراک از پدر	حضور مثبت	۱۸/۰۶	۶/۳۹	۱۸/۱۵	۵/۷۷
	حضور منفی	۱۷/۷۶	۴/۹۳	۱۶/۴۱	۴/۹۶
	تأمین‌کنندگی	۲۸/۵۵	۴/۷۷	۳۱/۳۰	۳/۸۰
	پاسخ‌دهی عاطفی	۹۲/۷۹	۲۳/۱۱	۱۰۱/۲۶	۲۲/۲۳
روابط موضوعی	بیگانگی	۲۰/۷۰	۶/۶۰	۹/۵۰	۶/۲۸
	دلبستگی ناایمن	۱۴/۶۴	۴/۲۱	۹/۲۳	۴/۸۵
	خودمیان‌بینی	۱۱/۸۴	۳/۶۹	۶/۲۴	۴/۳۵
	بی‌کفایتی اجتماعی	۶/۷۳	۴/۱۵	۴/۱۰	۳/۶۰

نتایج آزمون‌های خی‌دو پیرسون برای ویژگی‌های تحصیلات و وضعیت اشتغال، و آزمون t مستقل برای سن، و مدت زمان ازدواج نشان داد بین دو گروه تفاوت معنی‌دار وجود ندارد ($P>0/05$). بنابراین به‌نظر

می‌رسد اثر احتمالی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر متغیرهای پژوهش در هر دو گروه یکسان باشد. با توجه به جدول ۱، و برای آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین گروه متقاضی و غیر متقاضی طلاق در مؤلفه‌های ادراک از رابطه با پدر و روابط موضوعی، از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. به این منظور ابتدا برای برقراری پیش‌فرض همسانی ماتریس واریانس‌ها آزمون لون اجرا شد.

جدول ۲- نتایج آزمون‌های لون برای بررسی همسانی واریانس میانگین‌های ادراک از رابطه با پدر در گروه‌ها

مؤلفه‌ها	F(df)	سطح معنی‌داری
حضور مثبت	۰/۸۹(۱,۲۳۵)	۰/۳۵
حضور منفی	۰/۶۲(۱,۲۳۵)	۰/۴۳
تأمین‌کنندگی	۱/۱۲(۱,۲۳۵)	۰/۲۶
پاسخ‌دهی عاطفی	۱/۰۲(۱,۲۳۵)	۰/۳۱

با توجه به نتایج جدول ۲، پیش‌فرض برابری واریانس‌ها در دو گروه برقرار است و استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری بلامانع است.

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای ادراک از رابطه با پدر

منبع تغییرات	نوع آزمون	ارزش	F(df)	سطح معنی‌داری
گروه ها	ویلکز	۰/۸۹	۷/۳۹(۴,۲۳۲)	۰/۰۰۰۵

بنا به جدول ۳، نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد بین دو گروه متقاضی و غیر متقاضی طلاق حداقل در یکی از متغیرهای مورد مقایسه تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بنابراین به منظور مشخص نمودن این امر که تفاوت گروه‌ها در کدام‌یک از مؤلفه‌های ادراک از رابطه با پدر است، از آزمون تحلیل واریانس تک متغیره استفاده شد.

جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس تک متغیره برای ادراک از رابطه با پدر

منبع تغییرات	مؤلفه‌ها	میانگین مجموع مجذورات	F(df)	سطح معنی‌داری	مجذور اتای سهمی
گروه‌ها	حضور مثبت	۰/۱۲	۰/۰۱(۱,۲۳۵)	۰/۹۱	۰
	حضور منفی	۲۸/۳۵	۴/۴۷(۱,۲۳۵)	۰/۰۴	۰/۰۲
	تأمین‌کنندگی	۳۱۸/۲۶/۶۳	۲۳/۹(۱,۲۳۵)	۰/۰۰۰۵	۰/۰۹
	پاسخ‌دهی عاطفی	۹۳/۸۸	۸/۲۶(۱,۲۳۵)	۰/۰۰۴	۰/۰۳

با توجه به جدول ۴، نتایج آزمون تحلیل واریانس تک‌متغیره با توجه به آلفای میزان شده بن‌فرونی نشان داد، بین دو گروه در مؤلفه‌های حضور منفی پدر ($F_{۱,۲۳۵}$=۴/۴۷، P< ۰/۰۴ و اندازه اثر ۰/۰۲ درصد)،

نقش تأمین‌کنندگی پدر ($F_{1,235}$=۲۳/۹، P< ۰/۰۰۰۵ و اندازه اثر ۰/۰۹ درصد) و پاسخدهی عاطفی و نقش اخلاقی پدر ($F_{1,235}$=۸/۲۶، P< ۰/۰۰۴ و اندازه اثر ۰/۰۳ درصد)، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین دو گروه به لحاظ حضور مثبت پدر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (P>۰/۰۵). بنابر جدول ۴ و با توجه به نمرات میانگین گروه‌ها در جدول ۱، زوج‌های غیر متقاضی طلاق نسبت به زوج‌های متقاضی، با کسب نمرات بالاتر در نقش تأمین‌کنندگی (M=۳۱/۳۰) و پاسخ‌دهی عاطفی و نقش اخلاقی پدر (M=۱۰۱/۲۶)، و کسب نمرات پایین‌تر در حضور منفی پدر (M=۱۶/۴۱)، تصویر مثبت‌تر از پدر و رابطه با او دارند.

جدول ۵- نتایج آزمون‌های لون برای بررسی همسانی واریانس میانگین‌های مؤلفه‌های روابط موضوعی در گروه‌ها

مؤلفه‌ها	F(df)	سطح معنی‌داری
بیگانگی	۰/۳۴(۱,۲۳۵)	۰/۵۶
دلبستگی ناایمن	۲/۲۱(۱,۲۳۵)	۰/۱۴
خودمیان‌بینی	۱/۱۸(۱,۲۳۵)	۰/۲۴
بی‌کفایتی اجتماعی	۱/۴۸(۱,۲۳۵)	۰/۲۲

با توجه به نتایج جدول ۵، پیش‌فرض برابری واریانس‌ها در دو گروه برقرار است و استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری بلامانع است.

جدول۶- نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای روابط موضوعی

منبع تغییرات	نوع آزمون	ارزش	F(df)	سطح معنی‌داری
گروه ها	ویلکز	۰/۵۱	۵۵/۶۴(۴,۲۳۲)	۰/۰۰۰۵

بنابه جدول ۶، نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد بین دو گروه متقاضی و غیر متقاضی طلاق حداقل در یکی از متغیرهای مورد مقایسه تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بنابراین به منظور مشخص نمودن این امر که تفاوت گروه‌ها در کدام‌یک از مؤلفه‌های روابط موضوعی است، از آزمون تحلیل واریانس تک متغیره استفاده شد.

جدول ۷- نتایج تحلیل واریانس تک متغیره برای روابط موضوعی

منبع تغییرات	مؤلفه‌ها	میانگین مجموع مجذورات	F(df)	سطح معنی‌داری	مجذور اتای سهمی
گروه‌ها	بیگانگی	۵۶۹/۲۸	۱۷۸/۶۰(۱,۲۳۵)	۰/۰۰۰۵	۰/۴۳
	دلبستگی ناایمن	۴۳۲/۶۵	۸۴/۱۹(۱,۲۳۵)	۰/۰۰۰۵	۰/۲۶
	خودمیان‌بینی	۵۴۸/۳۲	۱۱۴/۶۸(۱,۲۳۵)	۰/۰۰۰۵	۰/۳۳
	بی‌کفایتی اجتماعی	۳۶۴/۸۴	۲۷/۱۲(۱,۲۳۵)	۰/۰۰۰۵	۰/۱۰

با توجه به جدول ۷، نتایج آزمون تحلیل واریانس تک‌متغیره با توجه به آلفای میزان شده بن‌فرونی نشان داد، بین دو گروه در مؤلفه‌های بیگانگی ($F_{1,235}$=۱۷۸/۶۰، P< ۰/۰۰۰۵ و اندازه اثر ۰/۴۳ درصد)، دلبستگی ناایمن ($F_{1,235}$=۸۴/۱۹، P< ۰/۰۰۰۵ و اندازه اثر ۰/۲۶ درصد)، خودمیان‌بینی ($F_{1,235}$=۱۱۴/۶۸، P< ۰/۰۰۰۵ و اندازه اثر ۰/۳۳ درصد) و بی‌کفایتی اجتماعی ($F_{1,235}$=۲۷/۱۲، P< ۰/۰۰۰۵ و اندازه اثر ۰/۱۰ درصد)، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بنابر جدول ۷ و با توجه به نمرات میانگین گروه‌ها در جدول ۱، زوج‌های غیر متقاضی طلاق نسبت به زوج‌های متقاضی، با کسب نمرات پایین‌تر در بیگانگی (M=۹/۵۰)، دلبستگی ناایمن (M=۹/۲۳)، خودمیان‌بینی (M=۶/۲۴) و بی‌کفایتی اجتماعی (M=۴/۱۰)، در وضعیت مطلوب‌تر قرار دارند.

نتیجه

پژوهش حاضر با هدف مقایسه کیفیت رابطهٔ ادراک شده با پدر و روابط ابژه در بین افراد متقاضی طلاق و افراد غیرمتقاضی انجام شد. نتایج نشان داد بین دو گروه در مؤلفه‌های حضور منفی پدر، نقش تأمین‌کنندگی و پاسخ‌دهی عاطفی و نقش اخلاقی پدر تفاوت معنی‌داری وجود دارد و زوج‌های غیرمتقاضی طلاق نسبت به زوج‌های متقاضی طلاق، تصویر مثبت‌تری از پدر و رابطه با او دارند. نتایج پژوهش در این رابطه با پژوهش‌های پیشین همسو و هماهنگ است (Richards, et al, 1991; Williams & Kelly, 2005; Gallagher, 2008, Johnson, 1982 by Casiano, 2010; Jordan, 2008; Jones, 2007; Sheffler & Naus, 1999; Goutler & Minninger, 1993; and Koon, 2011).

به نظر می‌رسد خوب پدری کردن، ازجمله عوامل مهم و اثرگذار بر ایفای نقش فرزندان در روابط بین‌فردی و به‌ویژه روابط زوجی است و در طول زمان، در سراسر زندگی و حتی در نسل های بعدی نیز اهمیت دارد (Snarey, 1991)، به‌طوری‌که به نظر می‌رسد تصویر مثبت از پدر و رابطه با او، ثبات ازدواج را پیش‌بینی می‌کند. پدر این قدرت را دارد که به فرزندش مسئولیت‌پذیری، همدردی کردن، و مراقبت دوجانبه را آموزش دهد. او همچنین می‌تواند به فرزندش آموزش دهد که باور کند که بی ارزش است. واژهٔ پدر تداعی‌کننده مواردی زیادی ازجمله تأمین کننده، مربی، رهبر، مردخانه، حمایتگر مالی، و کارگر در ذهن فرد است (Gallagher, 2008). سبک‌های پدری بر مفهوم خود آزمودنی‌ها و رفتارهای جنسی آنها در نوجوانی و بزرگسالی اثر دارد، و بر مفهوم خود آنها در انتخاب همسر و روابط بین‌فردی با جنس مخالف در نوجوانی و بزرگسالی مؤثر است (Jones, 2007). زن‌هایی که در کودکی پدری مهربان و قابل اعتماد نداشته‌اند، ممکن است با جستجوی مردانی که طردکننده‌اند و نمی‌توانند از نظر عاطفی و جنسی آن‌ها را ارضاء

کنند، در خطر باشند (Jones, 2007). لذا به‌نظر می‌رسد افرادی که در طول دوران رشد خود ادراک مثبتی از پدر و رابطه با او ندارند، در بزرگسالی و در حفظ روابط زناشویی خود ناموفق عمل می‌کنند.

به‌عبارت دیگر الگوهای ناکارآمدی که پدران برای فرزندان خود به‌ویژه برای دختران خلق می‌کنند، سبب می‌شود تا تمایل به حفظ روابط صمیمی با همسرشان را نداشته باشند و به‌نوعی بی‌اعتمادی و بدگمانی نسبت به همسر دچار شوند، و ثبات زندگی زناشویی آنها در معرض خطر قرار گیرد. همچنین مردانی نیز که در معرض الگوهای ناکارآمد پدری هستند، به نظر می‌رسد که در زندگی زناشویی خود، مشابه با الگوهای پدری ایفای نقش کنند و ثبات زندگی زناشویی آنها آسیب‌پذیرتر باشد.

همچنین بین دو گروه در ابعاد بیگانگی، دلبستگی ناایمن، خودمیان‌بینی و بی‌کفایتی اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد به‌طوری‌که زوج‌های غیرمتقاضی طلاق نسبت به زوج‌های متقاضی طلاق در مؤلفه‌های فوق با کسب نمرات پایین‌تر در وضعیت مطلوب قرار دارند و روابط موضوعی مثبت‌تری دارند، در حالیکه در زوج‌های متقاضی طلاق نقص در روابط موضوعی مشاهده می‌شود. نتایج پژوهش حاضر در این زمینه با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو و هماهنگ است (Sigel, 1992; Hadley, Holloway, & Mallinckrodt, 1993; Sharf & Sharf, 1987; Denovan, 2003; Gallagher, 2008; Mahler, 1975 by Keller, 2009; Feeny, 2005; and Jones, 2007).

بر اساس مفهوم دلبستگی، مادران و پدران طرف‌های اصلی دلبستگی هستند، یعنی افرادی هستند که کودک به آنها می‌پیوندد و حس امنیت و اطمینان را از آن‌ها می‌گیرد. پژوهش‌ها ثابت کرده‌اند که هر دو هنوز هم اثرگذارهای مهمی در رابطهٔ دلبستگی هستند (Newland & Coyl, 2010). طبق نظر شارف و شارف (Sharf & Sharf, 1987)، رابطهٔ زوج‌ها با هم و باورها و تعارضات خانواده توسط فرزندان درون سازی می‌شود و زمانی که فرزندان بزرگ می‌شوند و روابط صمیمانهٔ جدیدی برقرار می‌کنند، دوباره این ابژه‌های درونی‌شده تجربه و برون‌فکنی می‌شوند. سیستم رفتاری دلبستگی در بزرگسالی، شامل فعال‌سازی بازنمایی‌های ذهنی شرکای عشقی است که به طور منظم فراهم کنندهٔ توجه و حمایت بوده‌اند. این بازنمایی‌ها می‌توانند حس امنیت و اطمینان ایجاد کنند، که به فرد کمک می‌کند به‌طور موفقیت‌آمیز با تهدیدها مقابله کند (Miculincer & Shaver, 2004). درونی کردن تجربیات تکرار شونده، حاصل درون‌سازی معنی تجربیات و چگونگی نقش فرد در روابط بین‌فردی با والدین است و می‌توانند آسیب‌زا یا تسهیل‌گر رشد باشد (Jones, 2002).

با توجه به ابعادی که بل و همکاران (Bell ,et. Al, 1986) برای روابط موضوعی در نظر گرفتند، نمرهٔ بالای افراد در بیگانگی، نشان دهندهٔ فقدان اساسی نوعی احساس اعتماد در روابط خود است. این افراد

در ارتباطات خود نوعاً بی‌ثبات و سطحی بوده، و مشکلات جدی در برقرارای صمیمت نشان می‌دهند. چنین افرادی برای محافظت از خود در برابر خشم و خصومتی که به دیگران فرافکنی می‌کنند، به تنهایی پناه برده و منزوی می‌شوند. نمرهٔ بالا در دلبستگی ناایمن منعکس‌کنندهٔ حساسیت فرد به طرد و آسیب دیدن توسط دیگران است. فقدان جدایی و رهاشدگی چه به‌صورت خیالی و یا واقعی، برای این افراد سخت و تحمل‌ناپذیر جلوه می‌کند. هر چند برقراری روابط با چنین افرادی بسیار با اهمیت است، اما از آنجا که ارتباطات آن‌ها معمولاً با احساس گناه، حسادت و اضطراب همراه است، غالباً روابط آنان به الگوهای ناسازگارانه و تمایلات خودآزارگرانه و دیگرآزارگرانه منجر می‌گردد. نمرهٔ بالا در خودمیان‌بینی، سه نگرش نسبت به روابط را مشخص می‌سازد که شامل بدگمانی و عدم اعتماد نسبت به انگیزه‌های دیگران، بهره جویی فردی از روابط و دستکاری و سوء استفاده از دیگران برای دستیابی به خواست شخص خود می‌باشد. چنین افرادی در روابط بین‌فردی خود هیچ نوع همدلی ابراز نمی‌دارند و دربارهٔ احساسات و برداشت دیگران آگاهی یا نگرانی ندارند. نمرهٔ بالا در بی‌کفایتی اجتماعی منعکس‌کنندهٔ خجالتی بودن، عصبی بودن، و تردید نسبت به اطرافیان به ویژه جنس مخالف می‌باشد. برای این افراد ارتباطات بی‌نهایت دشوار و غیرقابل پیش‌بینی به نظر می‌آید و اغلب از هرگونه روابطی اجتناب می‌کنند (Bell, 1995).

با ذکر آنچه که رفت، به نظر می آید نقص در روابط موضوعی در زوج های متقاضی طلاق، رضایت طرفین از روابط زناشویی تحت تأثیر قرار گرفته و درنهایت آشفتگی در رابطه زناشویی به وجود آید. به عبارت دیگر نقصان در روابط موضوعی و پیامدهای خاصی که به دنبال دارد، روابط زوجی را مختل کرده و الگوهای ناسازگارانه‌ای را در روابط جایگزین می‌کند و زوجین را در تعارض و تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد. در این بین با بیدار شدن و فرافکنی ابژه‌های درونی‌شده دوران کودکی و اتخاذ نقش‌های غیرمنطقی از طرف زوجین، چالش‌های ارتباطی جدیدی از قبیل احساس تهدید و بی‌اعتمادی نسبت به طرف دلبستگی را حاصل می‌شود تا این که زن و شوهر احساس بیگانه بودن به یکدیگر پیدا کنند.

در پایان، این‌گونه به‌نظر می‌آید که نقص در روابط ابژه و تصویر منفی از پدر و رابطه با او می‌تواند موجبات نارضایتی زوج‌ها را فراهم آورد و علاوه بر احتمال کاهش رضایتمندی از رابطه، احتمال گسستگی روابط زناشویی را بالا خواهد برد. همچنین طلاق والدین بر رابطهٔ بین کودک و پدر و همانندسازی با او تأثیر منفی می‌گذارد (Both & Amato, 1994)، و این چرخهٔ منفی می‌تواند بر ازدواج فرزندان نیز اثر منفی داشته باشد، به طوری که تعدادی از فرزندان طلاق از رهاشدگی، فقدان و خیانت می‌ترسند (Wallerstein & Blakeslee, 1989).

بنابراین می‌توان با مداخلهٔ مناسب در راستای آموزش الگوهای والدگری پدر و همچنین اهمیت رابطهٔ والد-فرزند در طول دوران رشد فرزندان به والدین، این چرخهٔ معیوب را تا حدودی متوقف ساخت.

References

Amato, P. R. (2010). Research on divorce: Continuing trends and new developments. *Journal of Marriage and Family*, 72, 650-666.

Bell, M. (1995). *Bell Object Relations and Reality Testing Inventory (BORRTI).* By Western Psychological Services.

Bell, M., Billington, R., & Becker, B. (1986). A scale for the assessment of object relations: Reliability, validity, and factorial invariance. *Journal of Clinical Psychology*, 42, 733-741.

Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss. Attachment*. Vol.1. New York: Basic Books.

Both, A., & Amato, p. R. (1994). Parental Marital Quality, Parental Divorce, and Relations with parents. *Journal of Marriage and the Family*, 56, 21-34.

Braver, S. l., & Lamb, M. E. (2013). Marital Dissolution. G. W. Peterson & K. R. Bush (Eds.). *Handbook of Marriage and the Family*, Springer, Business Media, New York, pp.487-516.

Casiano, R. (2010). *The Influence of Father-Daughter Relationship Quality on Current Romantic Relationship Quality in Women*. A dissertation submitted to the graduate faculty in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, The University of Oklahoma.

Catlett, B. S., & MCkenry, P.C. (2004). Class-Bassed Masculinities: Divorce, Fatherhood, and the Hegemonic Idea. *Fathering*, Vol. 2, 165-190.

Chen, A. C., & Thompson, E. A. (2007). Preventing Adolescent Risky Sexual Behaviors: parents Matter*! Journal of Specialists in Pediatric Nursing*, 12, 119-122.

Cleveland, H. H., & Gilson, M. (2004). The Increased Importance of Mother-Child Relationships on Sexual Behaviors of Adolescents in Disadvantaged Neighborhoods. *Journal of Youth and Adolescence*, 33, 319-329.

Cusimano, A. M., & Riggs, S. A. (2013). Perceptions of interparental conflict, romantic attachment, and psychological distress in college students. *Couple and Family Psychology: Research and Practice, 2*1, 45-59.

Dick, G. L. (2004). The fatherhood scale. *Research on Social Work Practice*, 14, 80-92.

Dicks, H.V. (1963). Object Relations Theory and Marital Studies. *British Journal of Medical Psychology*, 36, 1-12

D'Onofrio, B., Turkheimer, E., Emery, R., Maes, H., Silberg, J., & Eaves, L. (2007). A children of twins' study of parental divorce and offspring psychopathology. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 48, 667–675

Donovan, J. M. (2003). *Short-Term Object Relation Couples Therapy: the Five Step Model*. New York: Brunner-Routledge.

Famenini, M. (2013).*the Role of Father Parenting Perception with Separation-Individuation Level and Attachment Style in University Students*. M. A dissertation in Shahid Beheshti University (In Persian).

Fincham, F. D. (2003). Marital Conflict: Correlates, Structure, and Context. *Current*

Directions in Psychological Science, 12, 23-26.

Feeny, J. A. (2005). Hurt Feelings in Couple Relationships: Exploring the Role of Attachment and perceptions of personal Injury. *Personal relationships*, 12, 253-271.

Fingerson, L. (2005). Do Mothers' Opinions Matter in Teens' Sexual Activity? *Journal of Family Issues*, 26, 947-974.

Framo, J. (1970). Symptoms from a Family Transactional viewpoint. In *Family Therapy in Transition*, (Ed). N. Ackerman, J. Lieb, and K.Pearce, PP. 125-171. Boston: Little, Brown.

Gallagher, J. J. (2008). *The Father-Daughter Relationship: A Father's Impact on his Daughter's Psychological development with Particular Focus on a Daughter's Formation of Adult Intimate relationships*, a Clinical Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements of the Degree Doctor of Philosophy to the Faculty of the California School of Professional Psychology, San Francisco Campus, Alliant International University.

Gottman, J. M. (1997). *The Heart of Parenting: How to Raise an Emotionally Intelligent Child*. Translated to Persian by Hamid Reza Balooch, Tehran, Rooshd Publisher (2010). (In Persian)

Goutler, B. & Minninger, J. (1993). *The Father Daughter Dance: Insight Inspiration, and Understanding for Every Woman and her Father*. New York: Ny: G. P. Putnam's Sons.

Grish, J. H., & Finchaam, F. D. (2001). *Interpersonal Conflict and Child Development: Theory, Research and Application*. The Cambridge University Press.

Guardia, A. C., Nelson, J. A., & Lertera, L. M. (2014). The Impact of Father Absence on Daughters Sexual Development and Behaviors: Implications for Professional Counselors. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 22, 339-346.

Hadley, J. A., Holloway, E. L., & Mallinckrodt, B. (1993). Common Aspects of Object Relations and Self Representations in Offspring from Disparate Dysfunctional Families. *Journal of Counseling Psychology*, 40, 348-356.

Haaz, D. H., Kneavel, M., & Browning, S. W. (2014). The Father–Daughter Relationship and Intimacy in the Marriages of Daughters of Divorce. *Journal of Divorce & Remarriage*, 55, 164-177.

Higgins, K. L. (2009). *Healthy Father-Daughter Relationships, Self-image, and Resilience: Associations in a Sample of College Women*. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in Psychology in the College of Science and Mathematics, California State University, Fresno.

Jones, A. E. (2007*). The Impact of the Father-Daughter Dyad on Female Sexuality, Self-Concept, and Interpersonal Relationships with Men.* A Dissertation Submitted to the Faculty of the Chicago School of Professional Psychology in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Psychology

Jordan, J. V. (2008). Recent Developments in Relational-Cultural Theory. *Women & Therapy*, 31, 1-4.

Keller, M. J. (2009). *Object Representation, Relationship Satisfaction, Maternal-Fetal Attachment, and Depression in High Risk Pregnancy*. Dissertation Presented to the Faculty of the Graduate School of Biomedical Sciences The University of Texas Southwestern Medical Center at Dallas In Partial Fulfillment of the Requirements

For the Degree of Doctor of Philosophy.
Kobak, R. (1999). The Emotional Dynamics of Disruptions In attachment Relationships. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds*). Handbook of Attachment* (PP. 21-43). New York: Guilford
Koon, T. J. (2011). *Father-Daughter Relationship Quality as a Predictor of Sexual Activity in Adolescent Women*. A Dissertation submitted to the Department of Family and Child Sciences in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy.
Lamb, M. E., & Lewis, C. (2004). The Development and Sinificance of Father-Child Relationships in Two Parent Families. In Lamb, M. E. (Ed.), *The Role of The Father in Child Development*, Fourth Edition (PP. 272-306). Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons.
Lansford, J., Malone, P., Castellino, D., Dodge, K., Pettit, G., & Bates, J. (2006). Trajectories of internalizing, externalizing, and grades for children who have and have not experienced their parents' divorce or separation. *Journal of Family Psychology*, 20, 292–301.
Lengua, L. J., Wolchik, S. A., Sandler, I. N., & West, S. G. (2000). The additive and interactive effects of parenting and temperament in predicting problems of children of divorce. *Journal of Clinical Child Psychology*, 29, 232–244.
Miculincer, M. & Shaver, P. R. (2004). Security-based self-Representation in Adulthood: Contents and Processes. In W. S. Rholes & J. A. Simpson (Eds.), *Adult Attachment: Theory, Research, and Clinical Implications* (PP. 159- 195). New York: Gilford Press.
Millando, M. A. (2005). *Influence of Father-Daughter Relationship, Parental Identifications, and Age at Divorce on Young Women's Identity Development.* A Dissertation submitted to the Adelphi University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy.
Miller, I. (2002). How Change Happens: Controlling Images, Mutuality, and Power. *Work in Progress*, 96, 1-10.
Morgan, J. V. (2001*). Father-Daughter Relationships as a Predictor of Marital Intimacy.* Ph.D. Dissertation, the University of Alabama. Available from: http:/www.ProQuest.umi. Accessed July 26, 2015.
Newland, L. A., & Coyl, D. D. (2010). Fathers Role as Attachment Figures: an Interview with Sir Richard Bowlby. *Early Childhood Development and Care*, 180, 25-32.
Reza Goli Zade, T. (2011). *The Relationship between Father Loss and Object Relations with Narcissistic Personality Disorder*. M. A dissertation in Shahid Beheshti University (In Persian).
Richards, M. H., Gitelson, I. B., Peterson, A. C., & Hutig, A. L. (1991). Adolescent Personality in Girls and Boys: The Role of Mothers and Fathers. *Psychology of Women Quarterly*, 15, 65-81.
Roth, K. E., Harkins, D. A., & Eng, L. A. (2014). Parental Conflict During Divorce as an Indicator of Adjustment and Future Relationships: A Retrospective Sibling Study. *Journal of Divorce & Remarriage, 55*, 117-138 .
Scharff, D., & Scharff, J. S. (1987). *Object Relations Family Therapy*. Northvale, NJ: Jason Aronson.
Sheffler, J. S. & Naus, P. J. (1999). The Relationship Between Fatherly Affirmation and

Women's Self-Esteem, Fear of Intimacy, Comfort with Womanhood and Comfort with Sexuality. *The Canadian Journal of Human Sexuality*, 8, 39-50.

Sigel, p. s. (1992). *Repairing Intimacy: an Object Relations Approach to Couples Therapy.* London: Jason Aronson.

Snarey, J. (1993*). How Fathers Care for the Next Generation*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Troxel, W., & Matthew, K. (2004). What are the costs of marital conflict and dissolution to children's physical health? *Clinical Child and Family Psychology Review*, 7, 29–57.

Wallerstein, J., & Blakeslee, S. (1989). *Second Chances: Men, Women, and Children a Decade after Divorce*. New York: Ticknor & Fields.

Welsh, D. P., Grello, C. M., and Harper, M. S. (2003). When love hurts: Depression and adolescent romantic relationships. In Florsheim, P. (ed.), *Adolescent Romantic Relations and Sexual Behavior: Theory, Research, and Practical Implications*. Lawrence Erlbaum, Mahwah.

Williams, S. K. & Kelly, F. D. (2005). Relationships among Involvement, Attachment, and Behavioral Problems in Adolescence: Examining Father's Influence. *Journal of Early Adolescence*, 25, 168-312.

Young, M. E. & Long, L. L. (2006). *Counseling and Therapy for Couples*. Brooks/Cole-Thomson Learning.